

## International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS 2021)

### The Revolutionary Army and the Identity Approach in the School of Gneral (Sardar) Soleimani

Ebrahim Mottaghi<sup>۱</sup>

#### Abstract:

The idea of a revolutionary army can be considered as part of the signs of tactical action resulting from the Islamic Revolution of Iran. The idea of the Iranian revolution is associated with religious thought with signs of the export of the revolution, support for the oppressed, organization of marginal groups, and a strategic approach to revolutionary groups. In Suleimani's view, the revolutionary army is based on organizing social groups to protect itself in the formation of a troubled region. Resistance is the foundation of the idea of marginalized identity groups and has created the fundamental infrastructure of the revolutionary army. Thus, the connection between the idea of resistance and the revolutionary army has become the main axis of the organization of the multinational army in the school of Sardar Soleimani. The main question of the article is: "What is the characteristic of Sardar Soleimani's revolutionary army with its identity and multinational approach, in what geographical area has it expanded and what tactical results has it led to?" The hypothesis of the article deals with this issue: "The revolutionary army had a revolutionary nature and identity in the tactical attitude of Sardar Soleimani. "Sardar Soleimani's revolutionary and identity units have become a multinational army that can play an effective role in identifying countries in the West Asian region." In preparing the article, the approach of "organizing the resistance front against the system of domination" is used. "Such an approach has been the main focus of the revolution with an identity approach in West Asia." In the process of organizing such an article, content analysis and data analysis methodologies are used. Each of the narratives related to the revolutionary action of the multinational forces can present its data and narrative. Explaining narratives is important because it enables the infrastructure of defensive theorizing with a tactical approach. The narrations also have the necessary ability to explain the pattern of behavior of Sardar Soleimani in the regional environment.

Keywords: Revolutionary Army, Identity, Multinational Forces, Tactical Action, Geopolitical Ring of Resistance.

<sup>۱</sup>Professor, Faculty of Law and Political Science, Tehran university, Tehran, Iran.

Emottaghi@ut.ac.ir

## ارتش انقلابی و رویکرد هویتی در مکتب سردار سلیمانی

ابراهیم متقی<sup>۱</sup>

### چکیده

اندیشه ارتش انقلابی را می‌توان بخشی از نشانه‌های کنش تاکتیکی ناشی از انقلاب اسلامی ایران دانست. اندیشه انقلاب ایران با نشانه‌هایی از صدور انقلاب، حمایت از مستضعفین، سازماندهی گروه‌های حاشیه‌ای و نگرش راهبردی به گروه‌های انقلابی با اندیشه دینی پیوند یافته است. ارتش انقلابی در نگرش سلیمانی مبتنی بر سازماندهی گروه‌های اجتماعی برای حفاظت از خود در شکل‌بندی منطقه آشوب‌زده تلقی می‌شود. مقاومت زیربنای اندیشه گروه‌های هویتی حاشیه محسوب شده و زیرساخت بنیادین ارتش انقلابی را به وجود آورده است. به این ترتیب، پیوند اندیشه مقاومت و ارتش انقلابی، محور اصلی سازماندهی ارتش چندملیتی در مکتب سردار سلیمانی قرار گرفته است.

پرسش اصلی مقاله آن است که: «ارتش انقلابی با رویکرد هویتی و چند ملیتی سردار سلیمانی دارای چه ویژگی بوده، در چه حوزه جغرافیایی گسترش یافته و به چه نتایج تاکتیکی منجر شده است؟» فرضیه مقاله به این موضوع می‌پردازد که: «ارتش انقلابی در نگرش تاکتیکی سردار سلیمانی ماهیت انقلابی و هویتی داشته است. یگان‌های انقلابی و هویتی مورد نظر سردار سلیمانی تبدیل به ارتش چندملیتی گردیده که می‌تواند نقش موثری در هویت‌یابی کشورهای منطقه غرب آسیا ایفا نماید.»

در تنظیم مقاله از رویکرد «سازماندهی جبهه مقاومت در مقابله با نظام سلطه استفاده می‌شود. چنین رویکردی محور اصلی صدور انقلاب با رویکرد هویتی در غرب آسیا بوده است.» در روند سازماندهی چنین مقاله‌ای از روش‌شناسی تحلیل محتوا و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. هر یک از روایت‌های مربوط به کنش انقلابی نیروهای چندملیتی می‌تواند داده‌ها و روایت خود را ارائه کند. تبیین روایت‌ها از این جهت اهمیت دارد که زیرساخت‌های مربوط به نظریه پردازی دفاعی با رویکرد تاکتیکی را امکان‌پذیر می‌سازد. روایت‌ها همچنین از قابلیت لازم برای تشریح الگوی رفتار سردار سلیمانی در محیط منطقه‌ای برخوردارند. **واژگان کلیدی:** ارتش انقلابی، هویت، نیروهای چندملیتی، کنش تاکتیکی، حلقه ژئوپلیتیکی مقاومت.

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران. Emottaghi@ut.ac.ir

## مقدمه

تلاش سردار سلیمانی برای سازماندهی ارتش هویتی و چندملیتی در جهت ایجاد نظم جدید منطقه‌ای و عبور از فضای امپراتور محور انجام گرفته است. در دنیای سرمایه‌داری، تمامی کشورها به مرکزیت امپراتوری توجه دارند. مرکزیت امپراتوری در عصر استعمار فرانو تلاش دارد تا از سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای و ارتباطی استفاده کند. در حالی که اگر منافع آنان به خطر بیفتد، هیچ حد و مرزی برای بی‌رحمی، خیانت یا وحشی‌گری وجود نخواهد داشت، چون خودشان منابع اصلی شری هستند که به بار آمده است. انتقال از این وضعیت برای تمامی گروه‌های اجتماعی در فضای کنش غیرانقلابی کاری دشوار است.

مقابله با نظام سلطه در اندیشه و عمل تاکتیکی سردار سلیمانی بخشی از ذهنیت و ادراک ایرانی برای نقش‌یابی در محیط منطقه‌ای بوده است. چنین ذهنیتی با روحیه ایرانی که مبتنی بر نشانه‌هایی از کنش انقلابی، آزادی‌خواهی، عدالت‌گرایی و تحرک سیاسی است، مغایرت داشته و به‌عنوان یکی از چالش‌های ذهنی جامعه ایران در مورد نوع نگاه آمریکا به حکومت‌های ایران باقی مانده است. ذهنیت ایرانی در دوران انقلاب و سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی براساس «مقابله با نقش منطقه‌ای و الگوی کنش راهبردی ایالات متحده» شکل گرفته است. لوئیس به این موضوع اشاره دارد که خاورمیانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با پیچیدگی‌های امنیتی و راهبردی روبه‌رو شده است (Lewis, 2000: 82).

## ۱. کلیات پژوهش

ارتش انقلابی دارای ریشه‌های تاریخی تحول‌یابنده‌ای است. اولین بار ارتش‌های ملی بعد از وستفالیایا شکل گرفته که در مقایسه با نیروهای نظامی فصلی، ماهیت انقلابی داشت. علت اصلی چنین رویکردی را می‌توان در سازماندهی و ساختار حرفه‌ای ارتش‌های جدید جستجو نمود. در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، زمینه برای ظهور جنگ‌های چریکی به‌وجود آمد. جنگ‌های چریکی عموماً با چالش‌های ساختاری روبرو شده و قادر به تأثیرگذاری بنیادین در تحول سیاسی نبودند.

نیروی مقاومت می تواند زیرساخت های لازم برای ارتش انقلابی را به وجود آورد. هرگونه مقاومت، تابعی از سازوکارهای کنش هویتی خواهد بود. هویت ها نقش مؤثری در روند تمدن سازی ایفا خواهند کرد. سازوکارهای تمدن ساز می تواند زمینه چنین انتقالی با کمترین خونریزی و بیشترین محافظت از دستاوردهای تمدنی به وجود آورد. هدف از سازماندهی چنین مجموعه ای از نیروهای چندملیتی برای سازماندهی ارتش هویتی را می توان بهینه سازی معادله قدرت در محیط منطقه ای دانست.

#### ۱-۱. تبیین مسئله

ارتش انقلابی در ایران دوران های تاریخی مختلفی را سپری ساخته است. اندیشه جنگ چریکی هیچگاه مورد پذیرش امام خمینی (ره) در مقابله با حکومت شاه قرار نگرفت. اندیشه ارتش انقلابی مربوط به دورانی است که چنین نیرویی به دلیل حمایت های ساختاری از قابلیت کنش تاکتیکی برخوردار باشد. اندیشه ارتش انقلابی با قالب های ادراکی و تحلیلی جامعه، فرهنگ و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی پیوند داشته است. گراهام آلیسون به این موضوع اشاره دارد که هرگونه کنش بازیگران می تواند براساس فرهنگ سیاسی و قالب هایی شکل گیرد که با عقلانیت راهبردی بازیگران همبستگی و پیوند داشته باشد (آلیسون، ۱۳۶۴: ۲۱۵).

مسئله اصلی آن است که چه رابطه ای بین ارتش انقلابی، نیروهای هویتی و شکل بندی های کنش سیاسی بازیگران وجود دارد. گروه های هویتی می توانند موقعیت خود را از طریق کنشگری ارتقاء دهند. ترور سردار سلیمانی با واقعیت های روابط ایران و آمریکا در دوران جمهوری اسلامی پیوند دارد. مقابله با اهداف تاکتیکی و راهبردی آمریکا در محیط منطقه بخشی از سازوکارهای مقابله با نظام سلطه محسوب می شود. مسئله آن است که چه نیرویی از قابلیت لازم برای هویت سازی در روند سازماندهی ارتش انقلابی برخوردار است؟

#### ۲-۱. اهمیت پژوهش

اهمیت ارتش انقلابی در نقش یابی سیاسی و راهبردی آن است. ارتش انقلابی می تواند زمینه گسترش جبهه مقاومت را به وجود آورد. جبهه مقاومت با روحیه و انگاره های ذهنی جامعه ایرانی ارتباط داشته و آن را به عنوان بخشی از سازوکارهای هویت یابی و اثربخشی منطقه ای خود می داند. گراهام فولر در

مطالعات خود درباره انگاره ایرانی به این موضوع اشاره دارد که جامعه ایران به ویژه در دوران بعد از انقلاب اسلامی، انگاره بدبینانه‌ای نسبت به سیاست‌های مداخله‌گرایانه و تهاجمی آمریکا داشته است. مفهوم ارتش انقلابی با اندیشه‌های راهبردی سردار سلیمانی ارتقاء پیدا کرده است. ارتش انقلابی در دوران‌های گذشته بر اساس سازوکارهای جنگ چریکی شکل گرفته بود. در سال‌های بعد از جنگ سرد، دوران تاریخی جنگ چریکی پایان یافته و عصر جدیدی مبتنی بر ارتش‌های انقلابی به وجود آمده است. ویژگی اصلی ارتش انقلابی را می‌توان در هویت‌گرایی و سازماندهی فضای مقاومت جستجو نمود. اندیشه مقاومت بر اساس ضرورت‌های هویتی و نیازهای راهبردی گروه‌های حاشیه‌ای شده شکل گرفته است.

### ۱-۳. ضرورت پژوهش

انجام هر پژوهش یا تنظیم هر مقاله‌ای بر اساس ضرورت‌های راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی حاصل می‌شود. شکل‌گیری و گسترش ارتش انقلابی از سوی ایران می‌تواند واکنشی نسبت به سیاست‌های تهاجمی جهان غرب در طول تاریخ باشد. ایران از طریق ارتش انقلابی توانست زیرساخت‌های لازم برای توسعه قدرت در محیط پیرامونی را به‌وجود آورد. در نگرش گراهام فولر، جامعه ایرانی آمریکا را به‌عنوان «نماد سرکوب امپریالیستی» دانسته که در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی به‌عنوان جایگزینی برای سیاست‌های استعماری و تهاجمی روسیه و انگلیس گردیده است. در چنین شرایط و فضایی، انگاره جامعه ایرانی نسبت به فرهنگ آمریکایی به مثابه تهدیدی برای زندگی اجتماعی با سبک سنتی بوده است. واکنش جامعه ایرانی و رهبران انقلاب اسلامی نسبت به سیاست آمریکا براساس قالب‌های فرهنگ ایرانی و ژئوپلیتیک ایران شکل گرفته است. نشانه‌هایی از «بیگانه‌هراسی» در ذهنیت جامعه، فرهنگ و حوزه کنش سیاسی ایرانی وجود دارد. در سال‌های بعد از انقلاب ایران، سیاست‌های مداخله‌جویانه ایالات متحده، چالش‌های امنیتی و اقتصادی بسیاری را برای دولت و جامعه ایران به وجود آورد. واقعیت آن است که سیاست‌های تهاجمی آمریکا بیش از آنکه منجر به کاهش فرآیند آمریکاستیزی در منطقه شود، تضادهای بیشتری را در روابط دو کشور به وجود آورده است.

#### ۴-۱. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش را می‌توان سازماندهی ارتش انقلابی دانست. نشانه‌های ارتش انقلابی در کنش تاکتیکی و الگوی رفتار فرماندهی سلیمانی وجود داشته است. ساختار ارتش انقلابی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای مقاومت را فراهم آورد. هرگونه مقاومت واکنشی نسبت به سیاست‌های تهاجمی آمریکا در برابر ایران و جهان اسلام محسوب می‌شود. واقعیت قوم‌مدارانه سیاست خارجی آمریکا در برخورد با ایران را می‌توان عامل اصلی بسیاری از تضادهایی دانست که از بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۸ فراروی انقلاب اسلامی ایران بوده است. با توجه به چنین انگاره‌ای، می‌توان اهداف پژوهش را بر اساس گزاره‌های ذیل تبیین نمود:

\* گسترش فضای مقاومت در ارتش انقلابی به عنوان نماد مقاومت در برابر تهدیدات آمریکا

\* مقابله با سیاست قوم‌مدارانه ایالات متحده در محیط منطقه‌ای

\* مقابله با سیاست تهاجمی آمریکا در محیط پیرامونی

#### ۵-۱. ساختار پژوهش

تبیین ارتش انقلابی رابطه مستقیم با هویت‌گرایی و بنیادهای اندیشه‌ای انقلاب اسلامی ایران دارد. اگر نیروی مقاومت و گروه‌های هویتی چندملیتی در محیط منطقه‌ای شکل گرفته‌اند، می‌توان آن را واکنشی نسبت به سیاست‌های تهاجمی آمریکا در دوران‌های گذشته دانست. سیاست تهاجمی و الگوی کنش مداخله‌گرایانه ایالات متحده چالش‌های پایان‌ناپذیری را در ارتباط با ایران و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه به وجود آورده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که ایالات متحده در صدد ایجاد تعادل و توازن در روابط خارجی با ایران و بسیاری دیگر از کشورهای منطقه نبوده است.

ایالات متحده عموماً از سیاست تهاجم و الگوی کنش غیرمسوولانه بهره گرفته و این امر منجر به تشدید تضادهای سیاسی و منطقه‌ای با ایران گردیده است. در چنین شرایط و فضایی، طبیعی به نظر می‌رسد که بازی سیاست با ایالات متحده مبتنی بر نشانه‌هایی از همکاری و توازن نباشد. ایالات متحده با خروج از برجام و اعمال تحریم‌های یکجانبه، تضادهای خود با دولت و جامعه ایران را گسترش داد. در چنین

شرایطی، طبیعی به نظر می‌رسد که دولت ایران هرگونه انعطاف‌پذیری در برابر ایالات متحده را با روحیه ایرانی هماهنگ ندانسته و آن را به مثابه چالش جدیدی در آینده امنیت‌سازی خود تلقی نماید.

در تنظیم مقاله ابتدا ویژگی‌های مربوط به ارتش انقلابی تبیین خواهد شد. در مرحله دوم رویکرد هویتی در سازماندهی ارتش انقلابی مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش سوم مقاله به سازوکارهای کنش تاکتیکی سردار سلیمانی برای تحقق راهبرد «تهدید در برابر تهدید» اشاره می‌شود. بخش چهارم مقاله مربوط به سازوکارهایی است که سردار سلیمانی برای سازماندهی ارتش انقلابی، هویتی و چندملیتی به کار گرفت. رویکرد چنین ارتشی در برابر کنش تهاجمی امریکا و متحدین منطقه‌ای آن کشور ماهیت نامتقارن داشته است.

## ۲. مبانی نظری ارتش انقلابی در نگرش سردار سلیمانی

ارتش انقلابی را می‌توان بخشی از راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی در حوزه دفاعی دانست. در این ارتباط سیاست دفاعی به‌عنوان بالاترین سند دفاعی کشور، تعیین‌کننده ماهیت و ساختار سیستم دفاعی کشور در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر، اینکه سیاست دفاعی کشور بر رویکرد «تهدید محوری» یا «قابلیت محوری» بنا شده باشد، تأثیر مستقیم و عمیقی بر «راهبرد دفاعی»، «ارتش انقلابی» و «صنایع دفاعی» خواهد داشت.

## ۲-۱. مبانی نظری ارتش انقلابی

ارتش انقلابی به‌عنوان بخشی از سیاستگذاری راهبردی کشورها در محیط پیرامونی محسوب می‌شود. ارتش انقلابی می‌تواند ماهیت رهایی‌بخش، آزادی‌بخش یا هویتی داشته باشد. ارتش انقلابی مورد نظر سردار سلیمانی بر اساس شاخص‌های هویت و مقاومت شکل گرفته است. ارتش انقلابی که سردار سلیمانی درصدد شکل‌گیری و گسترش آن بود، ماهیت هویتی، چندملیتی و ساختاری داشته است. هر یک از نشانه‌های یاد شده بیانگر آن است که ایران نقش مرکزی در ژئوپلیتیک جهان اسلام را عهده‌دار بوده و تلاش دارد تا در فضای تضادهای هویتی از سازوکارهای مربوط به ام‌القرای اسلامی استفاده نماید.

کشوری که نقش ام القرای را عهده دار می شود، نیازمند آن است که در محیط بحرانی ایفای نقش نموده و از قابلیت لازم برای مدیریت و موازنه بحران برخوردار باشد. در شرایط بحران و گسترش تهدیدات منطقه ای، سازماندهی هرگونه ارتش انقلابی را می توان بخشی از تلاش سازمان یافته کشورها برای بازتولید قدرت راهبردی دانست. کشوری که نقش انقلابی در محیط منطقه ای را ایفا می کند، نیازمند منعطف سازی، یکپارچه سازی و چندبعدی سازی معادله قدرت خواهد بود (ازغندی، ۱۳۷۸: ۳۵).

برای تبیین شکل بندی های راهبردی در شرایط بحران منطقه ای نیاز همه جانبه ای به درک سازوکارهای ارتش انقلابی وجود دارد. ارتش انقلابی می تواند بخشی از فرایند مدیریت بحران محسوب شود. در مرحله اول، نقش ارتش انقلابی در پیوند سطوح تاکتیکی و راهبردی انجام می گیرد. این امر به مفهوم آن است که ارتش انقلابی ماهیت تاکتیکی داشته ولی آثار راهبردی در محیط امنیت منطقه ای به جا می گذارد. در مرحله دوم، نقش ارتش انقلابی در کنترل مؤلفه های ژئوپلیتیکی منطقه ای مورد ارزیابی قرار می گیرد. در مرحله سوم، موضوع مربوط به ارتش انقلابی را می توان در ارتباط با کشورهای هدف مورد سنجش قرار داد.

برنامه مبادلات فرهنگی و آموزشی و یا دیپلماسی فرهنگی از نمونه های اولیه ارتش انقلابی برای کنترل تهدیدات به شمار می آید. چنین فرایندی به منزله پیوند موضوعات دفاعی - امنیتی از طریق فرایندهایی محسوب می شود که مبتنی بر دیپلماسی فرهنگی، تبادل اطلاعات دفاعی و دیگر ابعاد کنش راهبردی برای متقاعدسازی سایر بازیگران نسبت به اهداف واحدهای سیاسی می باشد. همکاری های مطالعاتی و ریزنی دفاعی عموماً در حوزه ارتش انقلابی سازماندهی و تنظیم می شود (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۶۴).

در فرآیند سازماندهی ارتش انقلابی، هرگونه همکاری دفاعی و امنیتی نیازمند بهره گیری از سازوکارهای فرهنگی است. به عبارت دیگر جلوه هایی از همبستگی بین شاخص های فرهنگی، مطالعاتی، دیپلماتیک و راهبردی وجود دارد. تمامی اقدامات یادشده در راستای شکل گیری درک و فهم متقابل کشورها در حوزه های دفاعی و امنیتی است. این امر نشان می دهد که اصلی ترین کارویژه ارتش انقلابی در حوزه کنترل مناقشه درک و فهم متقابل است. دولت ها از برنامه مبادلات فرهنگی به منظور توسعه شناخت متقابل، جلب حمایت افکار عمومی، توجیه اهداف و سیاست ها و تسهیل و توسعه روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با دولت های دیگر استفاده می کنند. الکساندر جورج به این موضوع اشاره دارد که کنترل مناقشه نیازمند



بهره‌گیری از دیپلماسی، کنش راهبردی و سازوکارهای نوظهور برای مدیریت بحران خواهد بود (George, 1992: 71).

## ۲-۲. ادبیات ارتش انقلابی

ارتش انقلابی بر اساس ایدئولوژی اسلامی در سال‌های بعد از انقلاب ایران شکل گرفته و گسترش پیدا کرد. نیروهای ساختاری و سازمانی ارتش انقلابی را گروه‌های هویتی و بازیگران منطقه‌ای تشکیل می‌دهند. بازیگران منطقه‌ای بخشی از واقعیت راهبردی کشورهایی محسوب می‌شوند که از آسیای جنوب غربی، خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز شروع گردیده و تا شرق مدیترانه حوزه سرزمینی و راهبردی آنان تداوم می‌یابد. ایران براساس سازوکارهای ارتش انقلابی از تحرک بیشتری برای تأمین اهداف راهبردی خود فراتر از سازوکارهای ارتش کلاسیک برخوردار است.

«کنث پولاک» و «ری تکه» در مقاله مشترکی با عنوان «کنترل ایران» به این موضوع اشاره داشتند که ایران از قابلیت لازم برای واکنش در برابر تهدیدات ژئوپلیتیکی برخوردار است. جهت‌گیری ارتش ترکیه در راستای اهداف راهبردی آمریکا قرار داشته و بخشی از ژئوپلیتیک کنترل بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود. کشورهای مصر و ترکیه نه تنها دارای ارتش قدرتمند هستند، بلکه این بازیگران تلاش دارند تا از طریق ارتش حرفه‌ای به اعتبار راهبردی مؤثرتری در منطقه نایل گردند (Pollack and Takeyh, 2005: ۲۸).

«مولر» در تبیین شکل‌بندی‌های مربوط به ارتش انقلابی، به مدل‌های امنیت منطقه‌ای کشورها اشاره دارد. ارزیابی نقش ارتش ساختاری و حرفه‌ای کشورهای یاد شده نشان می‌دهد که ایران نیز می‌تواند چنین نقشی را برای افزایش حوزه اقتدار خود از طریق راهبردهای تعاملی پیگیری نماید. ارتش انقلابی زمانی به مطلوبیت‌های مؤثری در حوزه راهبردی منجر می‌گردد که زمینه‌های لازم برای پیگیری الگوهایی ایجاد شود که منجر به تأثیرگذاری و الهام بخشی از طریق نمایش قدرت باشد (Moller, 2005: 17).

«فردریک کیگان» در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که ارتش‌های انقلابی دارای شکل‌بندی‌های اولیه سوسیالیستی بوده‌اند. نگرش کیگان، ماهیت ساختاری دارد. کیگان به این موضوع اشاره دارد که در ساختار دوقطبی و رقابت‌های جهان سوسیالیسم و نظام سرمایه‌داری، ارتش انقلابی دارای

رویکرد سوسیالیستی بوده است. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران نظام دوقطبی، گروه‌های سوسیالیستی، محور اصلی جنگ چریکی محسوب می‌شدند.

اولین بار اندیشه سازماندهی ارتش چندملیتی در سال‌های دهه ۱۹۵۰ توسط «چه گوارا» تبیین شد. چه گوارا نظریه جنگ چریکی را به عنوان پشتوانه کنش انقلابی خود در امریکای لاتین به کار گرفت. او تلاش داشت تا انترناسیونالیسم سوسیالیستی را از طریق کنش انقلابی پیگیری کند. مشارکت در روند جنگ چریکی کوبا، نام وی را به عنوان نماد کنش انقلابی با رویکرد سوسیالیستی تثبیت کرد. در سال‌های دهه ۱۹۷۰، اندیشه چه گوارا نماد کنش گروه‌های چریکی در جنگ‌های انقلابی بود (Kagan, 2010: 3).

«باری روبین» و «مکینسکی» در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارند که ایران در زمره قدرت‌های منطقه‌ای است. کشوری که نقش منطقه‌ای ایفا کند، نیازمند بهره‌گیری از پایگاه‌های تاکتیکی و عملیاتی خواهد بود. ارتش انقلابی می‌تواند زمینه لازم برای ارتقای قابلیت‌های مربوط به پایگاه‌های تاکتیکی را فراهم سازد. روبین بر این اعتقاد است که ارتش انقلابی می‌بایست دارای سازوکارهای کنش تاکتیکی و راهبردی باشد، در غیر این صورت قادر نخواهد بود تا به اهداف مورد نظر خود در سطح تاکتیکی و عملیاتی نایل شود (Rubin and Makinsky, 2006: 8).

### ۳. یافته‌های پژوهش

ادراک راهبردی در شرایطی دارای مطلوبیت لازم و مناسب در حوزه ارتش انقلابی می‌باشد که امکان بهره‌گیری از مفاهیم دفاعی در حوزه دیپلماتیک وجود داشته باشد. سازماندهی ارتش انقلابی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی است که زمینه ارتباط با نخبگان، کارگزاران سیاسی و بازیگران هویتی را فراهم سازد. در غیر این صورت، امکان درک دقیقی از شاخص‌های ساختاری ارتش انقلابی در انگاره سردار سلیمانی وجود نخواهد داشت. متقاعدسازی راهبردی می‌تواند از طریق جنگ افزارهای آفندی، پدافندی و گفتمان‌هایی باشد که نشان می‌دهد کشورها دارای چه اهدافی در حوزه امنیتی می‌باشد. شکل‌بندی‌های ارتش انقلابی می‌تواند زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی ضریب نیل به اهداف را فراهم آورد.

### ۳-۱. اهداف تاکتیکی ارتش انقلابی

«یادلین» و «ساتلوف» هرگونه سازماندهی ارتش انقلابی را بر اساس گام‌های شکل‌گیری و گسترش نهادهای نظامی و عملیاتی تعریف می‌کنند. گام اول در طراحی کنش تاکتیکی مربوط به گسترش نیرو برای

مقابله با تهدیدات خواهد بود. شناخت مناطق تهدیدساز و بهره‌گیری از نیروی موثر برای مقابله با تهدیدات، محور اصلی ارتش انقلابی در مناطق بحرانی همانند آسیای غربی خواهد بود. اقتناع راهبردی یکی دیگر از راهکارهای ارتش انقلابی محسوب می‌شود. اقتناع راهبردی زمانی انجام می‌گیرد که امکان متقاعدسازی بازیگران رقیب، برای پذیرش الگوی رفتاری خاص وجود داشته باشد.

یادلین و ساتلوف با مطالعات تحولات امنیتی سوریه اعتقاد دارند که ارتش انقلابی می‌تواند از سازوکارهای کنش پیش‌بینی‌پذیر برخوردار باشد. اقتناع راهبردی از طریق تبادل اطلاعات، مانورهای نظامی، و همکاری‌های دفاعی انجام پذیرد. به‌طور مثال، کشور فرانسه برای متقاعدسازی روسیه در اوایل قرن ۲۰ از الگوی تبادل اطلاعات درباره آلمان استفاده نمود. تصویرسازی راهبردی بخشی دیگر از ارتش انقلابی محسوب می‌شود. کشورهایی که از الگوی تصویرسازی در منازعات امنیتی استفاده می‌کنند، قادر خواهند بود تا ادراک خود را بر طرف مقابل تحمیل نمایند. ادراک بخشی از واقعیت راهبردی کشورها در سیاست بین‌الملل است (Yadlin and Satloff, 2011: 25).

اصلی‌ترین هدف تاکتیکی ایران در محیط منطقه‌ای ارتباط مستقیمی با تغییر موازنه آمریکامحور در محیط منطقه‌ای است. کشورهایی که نقش محوری در سیاست امنیت منطقه‌ای دارند، عموماً تلاش می‌کنند تا موقعیت خود را از طریق سازوکارهای کنش تعاملی ارتقا دهند. بنابراین تغییر در موازنه تاکتیکی و الگوی موازنه قدرت را می‌توان به عنوان دومین هدف تاکتیکی ایران در محیط منطقه‌ای دانست. چنین اهداف به گونه اجتناب‌ناپذیر از طریق سازوکارهای مربوط به ارتش حرفه‌ای و ارتش کلاسیک حاصل نمی‌شود.

### ۲-۳. ارتش انقلابی و کنترل بحران‌های منطقه‌ای

ارتش انقلابی از قابلیت لازم برای تحرک تاکتیکی برخوردار است. در چنین شرایطی است که ارتش انقلابی آمادگی تحرک، نقش‌یابی منطقه‌ای و جابه‌جایی سریع نیرو برای مقابله با تهدیدات را دارا است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و با توسعه شبکه‌ها و رسانه‌های جدید ارتباطی، برخی از محققین مانند ارنست

ویلسون<sup>۱</sup> برنامه سنتی مبادلات فرهنگی را مورد انتقاد قرار داده و مدعی شدند که این برنامه‌ها هزینه بر بوده و تأثیرگذاری آن محدود به برخی گروه‌ها و جوامع خاص متعلق به طبقات بالای اجتماعی است. یکی از اصلی‌ترین اهداف ارتش انقلابی را می‌توان کنترل بحران‌های منطقه‌ای دانست. ارتش انقلابی از تحرک ژئوپلیتیکی و تاکتیکی برای کنترل تهدیدات برخوردار است. ارتش انقلابی نقش مؤثری در کنترل مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. در محیط منطقه‌ای آسیای جنوب غربی، نشانه‌های مختلفی از تهدید هویتی و راهبردی وجود دارد. هر یک از این تهدیدات می‌تواند نقش مؤثری در منازعات و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جا گذارد. به‌طور مثال بحران در سوریه، عراق و یمن را می‌توان به‌مثابه یک موضوع ژئوپلیتیکی دانست. بسیاری از موضوعات ژئوپلیتیکی را می‌توان در قالب ارتش انقلابی تحلیل نمود (Yaldin and Sotloff, 2011: 28).

چهارمین هدف از سازماندهی و تحرک ارتش انقلابی معطوف به کنترل محیط آشوب‌زده خواهد بود. غرب آسیا در سال‌های بعد از جنگ سرد با نشانه‌هایی از عدم اطمینان و ابهام راهبردی روبه‌رو بوده است. تحرک منطقه‌ای می‌تواند معادله قدرت و امنیت را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد. مناقشه واقعیت پایان‌ناپذیر سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. هیچ کشوری در وضعیت بدون مناقشه قرار نخواهد داشت. کشورها در سیاست بین‌الملل عموماً تلاش می‌کنند تا خود را برای مقابله با تهدیدات در شرایط مناقشه آماده نمایند.

کنترل مناقشه توسط ارتش انقلابی و در شرایطی ایجاد می‌شود که جلوه‌هایی از عدم اطمینان تاکتیکی در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل وجود داشته باشد. عدم اطمینان را می‌توان زمینه‌ساز معمای امنیت در نظام بین‌الملل دانست. کشورهایی که در وضعیت تهدید قرار دارند، عموماً با نشانه‌های متنوع‌تری از تهدید روبه‌رو می‌شوند. به این ترتیب لازم است تا کنترل مناقشه از طریق ارتش انقلابی انجام پذیرد. کنترل فضای عدم اطمینان از طریق تحرک ارتش انقلابی در محیط پیرامونی به وجود می‌آید. اسنایدر مساله عدم اطمینان را مهم‌ترین چالش تصمیم‌گیری سیاست خارجی و امنیتی دانسته که صرفاً از طریق ارتقا قابلیت‌های ابزاری و تاکتیکی حاصل می‌شود (اسنایدر، ۱۳۸۹: ۲۸).

<sup>۱</sup> Ernest Wilson

### ۳-۳. گسترش جغرافیای مقاومت و ارتش انقلابی هویتی

ارتش انقلابی مورد توجه سردار سلیمانی در محیطی سازماندهی و گسترش پیدا کرد که اولاً در حوزه «جغرافیای همجوار» ایران قرار داشتند، ثانیاً با نشانه‌هایی از «کنش هویتی» نسبتاً مشابه با ایران همراه بودند. باتوجه به تهدیدات پیرامونی و ظهور نیروهای هویتی تهدیدساز، جمهوری اسلامی ایران بیش از سایر کشورهای منطقه در شرایط تهدیدات امنیتی و ژئوپلیتیکی قرار داشته است. یکی از دلایل چنین شرایطی را می‌توان شاخص‌های جغرافیایی و قابلیت‌های اقتصادی آن دانست.

به هر میزان واحدهای سیاسی از قابلیت و جایگاه ژئوپلیتیکی مؤثرتری برخوردار باشند، طبیعی است که با تهدیدات متنوع‌تری نیز روبه‌رو خواهند شد. این امر، رابطه بین قدرت و تهدید را منعکس می‌کند. مرزهای ژئوپلیتیکی ایران را مرزهای تهدید می‌نامند. علت آن را می‌توان در قابلیت‌های اقتصادی، توانمندی راهبردی و امکان دسترسی قدرت‌های بزرگ به حوزه‌های ژئوپلیتیکی ایران دانست. همجواری حوزه راهبردی و تاکتیکی ایران با قدرت‌های بزرگ و بازیگران مداخله‌گر منطقه‌ای، چالش‌های ایران را افزایش می‌دهد (Axelrod, 1984: 25).

### ۳-۴. ژئوپلیتیک ارتش انقلابی؛ جغرافیای آشوب و کمربند شکننده

ارتش انقلابی در شرایطی شکل می‌گیرد که ساخت دولت با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و هویتی همراه شود. «کوهن» به این موضوع اشاره دارد که تحولات دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد هیچ یک از برداشت‌های خوش‌بینانه و بدبینانه از نقشه ژئوپلیتیکی جهان درست نبوده است. در واقع، آشفتگی‌هایی در نتیجه تغییرات عمیق در نظام بین‌الملل وجود داشته است ولی این آشفتگی‌ها به استثنای جنگ خلیج فارس، محدود به مناطقی بودند که تهدیدی برای ثبات جهانی محسوب نمی‌شدند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

ژئوپلیتیک ارتش انقلابی بر اساس فرآیندهای هویتی، راهبردی و موج سوم انقلاب تکنولوژیک گسترش یافت. جهانی شدن و منطقه‌ای شدن از جمله عناصر مهم دیگر تغییر پس از جنگ سرد محسوب می‌شود. در این دوران، شبکه‌های تعامل اقتصادی و فرهنگی گسترش یافته و منجر به تسهیل کنش ارتباطی بازیگران گردید. در ژئوپلیتیک ارتش انقلابی، زمینه برای پیوند جریان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به وجود می‌آید. انقلاب ارتباطات چنین فرآیندی را سرعت بخشیده و تأثیر خود را بر گسترش نیروهای مقاومت

در حوزه‌های مختلف جغرافیایی همانند آسیای مرکزی، نیجریه، فیلیپین، اندونزی، ترکیه، مصر، افغانستان و پاکستان به وجود آورده است.

یکی از ویژگی‌های اصلی ارتش انقلابی ایران که توسط سردار سلیمانی هدایت و فرماندهی شد، ایفای نقش در محیط ژئوپلیتیکی بحران زده خواهد بود. محیط منطقه‌ای و راهبردی ایران با نشانه‌هایی از تهدید، بحران و چالش پایان‌ناپذیر روبه‌رو بوده و برای مقابله با چنین نشانه‌هایی، سازماندهی ارتش انقلابی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. نقش‌یابی ارتش انقلابی ایران در غرب آسیا بیانگر این واقعیت است که هر تحول منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند آثار و پیامدهای خود را بر ساختار و فرایندهای امنیتی ایران به جا گذارد.

### ۳-۵. مدیریت بحران و ارتش انقلابی

نقش ملی و هویتی ارتش انقلابی در محیط منطقه‌ای معطوف به کنترل حوادث، بازیگران، منابع و فرایندهای راهبردی است. تصاعد بحران در شرایطی انجام می‌گیرد که بازیگران در ارتباط با موضوعات و فرایندهای محیط منطقه‌ای با یکدیگر در شرایط تعارض و تضاد راهبردی قرار داشته باشند. هرگونه کنترل مناقشه در محیط منطقه‌ای می‌تواند به مثابه بخشی از ضرورت ارتش انقلابی کشورهای منطقه‌ای باشد. کشورهایی که در حوزه آسیای جنوب غربی و شرق مدیترانه قرار دارند، بیش از سایر کشورهای جهان در وضعیت مناقشه قرار می‌گیرند. نقش‌یابی ارتش انقلابی تابعی از ضرورت‌های کنش راهبردی دوران موجود در فضای رویارویی اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی در محیط منطقه‌ای خواهد بود (ابوالنصر، ۱۳۷۸: ۴۱).

به همین دلیل است که ایران نیازمند سازماندهی ارتش انقلابی براساس ضرورت‌های امنیت چندجانبه و فراگیر در محیط آشوب‌زده است. ارتش انقلابی حد واسط صلح و جنگ می‌باشد. کشورها در شرایط صلح و جنگ نیازمند سطح خاصی از ارتش انقلابی هستند. معمای امنیت جلوه‌هایی از تهدید نهفته را به وجود می‌آورد. هرگاه تهدید ماهیت نهفته داشته باشد، طبیعی است که با جلوه‌هایی از غافلگیری روبه‌رو می‌شود. برای گذار از غافلگیری، لازم است تا ارتش انقلابی نسبت به تمامی احتمالات وقوف داشته باشد. انقلاب ایران از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای مقابله با غافلگیری در شرایط بحران فراهم سازد (استمپل، ۱۳۷۷: ۶۱).

ضرورت‌های گذار از غافلگیری ایجاب می‌کند تا ارتش انقلابی از طریق سازوکارهای دیپلماتیک، امنیتی و دفاعی، اولاً تهدیدات محیطی را شناسایی کند، ثانیاً بازیگران تهدیدکننده را رصد نماید، ثالثاً موازنه قدرت بازیگران تهدیدکننده در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی براساس نشانه‌های قدرت و تهدید را کنترل کند. کنترل تهدیدات از طریق ارتش انقلابی صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که از سازوکارهای ارتش انقلابی استفاده شود. کشورهایی که در «وضعیت عدم اطمینان» قرار دارند، ناچارند تا برای کنترل تهدیدات احتمالی از ابزارهای متنوعی استفاده نمایند.

ارتش انقلابی باید مناقشاتی را مدیریت و کنترل نماید که زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری تهدیدات امنیتی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر در شرایط عدم اطمینان، ارتش انقلابی معطوف به کنترل مناقشه است. در بین بازیگرانی که در حوزه آسیای جنوب غربی، شمال آفریقا و شرق مدیترانه قرار دارند، کشورهای ایران، مصر و ترکیه از اهمیت بیشتری برخوردارند. هریک از این کشورها می‌توانند بر فرایندهای محیط منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. امنیت‌سازی از طریق ارتش انقلابی بر اساس قالب‌های هنجاری و ضرورت‌های ژئوپلیتیک چنین کشورهایی شکل می‌گیرد. هریک از کشورهایی که دارای قدرت منطقه‌ای هستند از سازوکارهای خاصی در روند ارتش انقلابی بهره می‌گیرند.

### ۳-۶. موازنه‌سازی ارتش انقلابی در محیط منطقه‌ای

پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی باعث ظهور کشورهای جدید و ضعیفی در آسیای مرکزی و قفقاز و بالکان گردید. در این فرآیند، ترکیه با توجه به اشتراکات فرهنگی، تاریخی و زبانی با این کشورها کوشید در فضای جدید نفوذ خود را افزایش دهد. نقش ترکیه در سوریه چالش‌های امنیتی ویژه‌ای برای ایران به وجود آورد. تحرک ژئوپلیتیکی ترکیه در حوزه قفقاز و تغییر در شکل‌بندی جغرافیای منطقه‌ای، چالش‌های امنیتی جدیدتری را برای ایران ایجاد می‌کند.

موازنه‌گرایی با بازیگران منطقه‌ای در حوزه دولت، نیروی اجتماعی و گروه‌های هویتی را می‌توان در زمره سازوکارهای مربوط به ارتش انقلابی دانست. بحران عراق محور اصلی چالش‌های امنیتی آینده غرب آسیا شده است. به هر میزان بحران در عراق تصاعد پیدا کند، طبیعی است که آثار آن را می‌توان در محیط

<sup>۱</sup> Condition of uncertainty

منطقه‌ای نیز جستجو کرد. عراق جدید توانست میزان تحرک ایران در محیط منطقه‌ای را ارتقا دهد. هرگاه کشوری در فضای تحرک منطقه‌ای قرار گیرد، نیازمند بهینه‌سازی الگوی کنش تاکتیکی خواهد بود (پورسعید، ۱۳۸۲: ۸۳).

نقش‌یابی ارتش انقلابی برای موازنه‌سازی منطقه‌ای نیازمند تحرک ژئوپلیتیکی و نقش‌یابی منطقه‌ای در قالب سازوکارهای رقابتی و همکاری‌جویانه خواهد بود. تعامل دیپلماتیک و چندجانبه‌گرایی راهبردی در زمره ضرورت‌های امنیت‌سازی و مدیریت بحران محسوب می‌شود. با ظهور قلمرو عمومی جهانی و تنوع و تحول منابع اطلاع‌رسانی، زمینه شکل‌گیری شهروندان و افکار عمومی آگاه به‌وجود آمده که توجیه، کنترل و اقتناع آنها نسبت به گذشته سخت‌تر است. لذا تنها توجه به افکار عمومی مهم نیست، بلکه مهم‌تر از آن باید به فضایی توجه داشت که زمینه‌های لازم برای متقاعدسازی نخبگان را به‌وجود می‌آورد. اصلی‌ترین ابزار ارتقاء قابلیت دیپلماتیک کشورها عموماً در قالب گفت‌وگو و تعامل در فضای دوجانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی بین‌المللی شکل می‌گیرد. امنیت ملی و موضوعات راهبردی با ضرورت‌های دیپلماتیک و فرایندهایی که منجر به تعامل ارتش انقلابی می‌گردد، ارتباط مستقیم دارد. در رویه‌های سنتی امنیت‌سازی، نسبت به موضوعاتی از جمله کنش‌های رسانه‌ای و تعامل دیپلماتیک غفلت شده بود، اما ارتش انقلابی هرگونه تعامل معطوف به تولید منافع ملی را از طریق سازوکارهای رسانه‌ای، هویتی و تحرک تاکتیکی انجام می‌دهد.

در ارتش انقلابی، علاوه بر گفت‌وگو، همکاری نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همکاری‌های دفاعی به‌عنوان زیربنای کنش دیپلماتیک و راهبردی محسوب می‌شود. منافع امنیتی بیش از سایر موضوعات از اهمیت و مطلوبیت راهبردی برخوردار است. در چنین فرایندی، همکاری عبارت است از مشارکت بازیگران ملی و فراملی که اهداف مشترکی را پیگیری می‌نمایند. تحقق چنین اهدافی براساس ابتکارات و همکاری‌های مشترک، جهت رسیدن به اهداف دفاعی و راهبردی سازماندهی شده و به‌گونه‌ای تدریجی نهادینه می‌گردد.

ارتش انقلابی نه تنها در شرایط صلح مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه در فرایند منازعات خشونت‌آمیز نظامی نیز می‌توان از آن برای کنترل گستره و شدت جنگ استفاده نمود. جنگ‌های جدید عموماً ماهیت اجتماعی، اقتصادی و راهبردی دارند. هرگونه تحول نظامی می‌تواند بر فرآیند جنگ تأثیرگذار باشد. به



همین دلیل است که کاربرد ارتش انقلابی در دوران جنگ افزایش نیز پیدا خواهد. این امر ناشی از تفکری محسوب می شود که گاه جنگ را جزء ضروری حفظ همان چیزی دانسته اند که منشور ملل متحد آن را صلح و امنیت بین الملل می خواند. انگیزه جنگ همواره گسترش قدرت است. بنابراین از طریق ارتش انقلابی می توان هزینه های مربوط به گسترش قدرت را مورد بررسی قرار داده و به این ترتیب در راهبرد دفاعی ایفای نقش کند.

بعد دیگر موازنه سازی ارتش انقلابی در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس قرار دارد. کشورهای منطقه ای در سال های گذشته شکل جدیدی از تعامل ژئوپلیتیکی را با بازیگران تهدیدساز ایران آغاز نمودند. در این فرآیند، شورای همکاری خلیج فارس نقش تهدیدکننده ای در شکل بندی های دفاعی و امنیتی کشورهای منطقه در برابر ایران اعمال کرده است. مدیریت بحران یمن، عراق و سوریه تابعی از سازوکارهای ارتش انقلابی ایران برای ایجاد موازنه در محیط ژئوپلیتیکی غرب آسیا و خلیج فارس بوده است. کوک به این موضوع اشاره دارد که حمله نظامی آمریکا به عراق زمینه ظهور بحران های منطقه ای جدید را فراهم می سازد (Cook, 2003: 17).

تحولات عراق و نقش یابی ایران برای مقابله با داعش نشان داد که شکل دیگری از ارتش انقلابی وجود دارد که زمینه های لازم برای مقابله با تهدیدات منطقه ای را به وجود می آورد. لازم به توضیح است که ارتش انقلابی ایران در عراق ماهیت هویتی و ژئوپلیتیکی دارد. به همین دلیل است که کشورهای عربی نیز تلاش دارند که با رویکرد ایران مقابله نمایند. از سوی دیگر، می توان بر این موضوع تأکید داشت که هرگونه تحول ژئوپلیتیکی آثار خود را در روابط ایران با دولت مصطفی کاظمی به جا می گذارد. ادراک راهبردی دولت مصطفی کاظمی را می توان مقابله با تهدیدات داعش و حمایت از سازوکارهای کنش راهبردی ایران در عراق و در روند مقابله با تروریسم هویتی دانست.

ریشه های بحران انتخاب دولت عراق را می توان تابعی از رویارویی امنیتی گروه های شبه نظامی موسوم به داعش دانست. گروهی که در سال های ۱۴-۲۰۱۱ فعالیت های نظامی خود را در سوریه سازماندهی نموده و از آمادگی نسبی برای نقش آفرینی در تحولات امنیتی عراق بعد از انتخابات می ۲۰۱۴ برخوردار گردیده است. شبه نظامیان داعش بنیان های اولیه فعالیت نظامی و امنیتی خود را در سال های ۲۰۰۳ به بعد علیه نیروهای آمریکایی سازماندهی کردند. دیوید پترائوس را باید مبتکر بهره گیری از نیروهای شبه نظامی

سلفی و بقایای حزب بعث در عراق علیه گروه‌های رقیب دانست. الگوی کاربردی دیوید پترائوس توانست موقعیت گروه‌های معارض علیه نیروهای آمریکایی را کاهش دهد. رویکرد آمریکا برای خروج از عراق در سال ۲۰۰۸ را می‌توان یکی از عوامل موفقیت پترائوس برای به‌کارگیری گروه‌های شبه‌نظامی سلفی علیه نیروهای رقیب در ساختار سیاسی عراق دانست. ضرورت‌های نقش‌یابی ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای، منجر به گسترش سطح تحرک دیپلماتیک و راهبردی ایران و آمریکا می‌شود. رضایی به این موضوع اشاره دارد که ایران در فرآیند تحول خود نیازمند فضای منطقه‌ای خواهد بود (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

اگر موازنه‌گرایی را به‌عنوان محور اصلی سیاست راهبردی ارتش انقلابی در برابر تهدیدات عراق و متحدین منطقه‌ای آن بدانیم، در چنین شرایطی موضوعاتی همانند آینده سیاسی اقلیم کردستان، چگونگی تعامل کشورهای منطقه‌ای با عراق و نقش داعش شکل‌بندی‌های سیاسی و امنیتی عراق در آینده از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. بحران عراق در دوران جوزف بایدن گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد. بایدن در زمره بازیگرانی است که انگیزه بیشتری برای تغییر در نقشه ژئوپلیتیکی منطقه دارد. در چنین شرایطی، نقش ارتش انقلابی با الگوی موازنه‌گرایی مکتب سردار سلیمانی ضرورت اجتناب‌ناپذیر امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود.

### ۳-۷. کنترل محیط منطقه‌ای و کنش تاکتیکی ارتش انقلابی

ارتش انقلابی در هر کشوری می‌بایست به ۴ هدف پاسخگو باشد. هدف اول در روند سازماندهی و تنظیم الگوی معماری نیروهای مسلح خواهد بود. هدف دوم می‌بایست زمینه شناخت تهدیدات را به وجود آورد. هدف سوم معطوف به چگونگی مقابله با «تهدیدات در حال تغییر» خواهد بود. هدف چهارم معطوف به سازماندهی شکل جدیدی از کنش تاکتیکی برای موازنه منطقه‌ای خواهد بود. هر یک از مولفه‌های یاد شده می‌تواند زمینه لازم برای تبیین نشانه‌های مربوط به کنش انقلابی را منعکس سازد.

هرگونه کنش تاکتیکی می‌تواند زمینه لازم برای تغییر در موقعیت کشورها را به وجود آورد. کنش تاکتیکی زمانی از اهمیت لازم برخوردار است که بازیگری که بتواند قابلیت‌های چهارگانه یادشده را در راستای ظهور ارتش انقلابی فراهم آورد، از توانمندی لازم برای ایفای نقش قدرت منطقه‌ای برخوردار خواهد شد. شکل‌بندی قدرت در هر کشوری تابعی از چگونگی نقش بازیگران در معادله رقابت‌های

منطقه‌ای خواهد بود. ارتش انقلابی زیرساخت‌های تبدیل کشورهای منطقه‌ای به قدرت منطقه‌ای را به وجود می‌آورد (Rubin and Makinsky, 2006: 17).

### ۳-۸. مدیریت تهدیدات و بحران‌های منطقه‌ای

محور اصلی کنش ارتش انقلابی مکتب سردار سلیمانی براساس «شناخت تهدیدات» قرار گرفته است. نکته قابل توجه آن است که تهدیدات همواره در حال تغییر خواهد بود. اگرچه ماهیت، شدت و محیط تهدیدات در وضعیت تغییر قرار دارد، اما باید بر این نکته توجه داشت که ذات تهدیدات همواره وجود داشته و تصاعد می‌یابد. به همین دلیل است که در روند معماری نیروهای مسلح لازم است تا مجموعه‌های راهبردی هر کشور شناخت دقیقی نسبت به «ماهیت تهدیدات»، «شدت تهدیدات»، «گستره تهدیدات»، «فراگیری تهدیدات» و «تمرکز تهدیدات» در دوران‌های زمانی مختلف به دست آورند.

بازیگران تهدیدکننده در سه سطح «بازیگران فراملی»، «بازیگران منطقه‌ای» و «بازیگران بین‌المللی» تقسیم می‌شود. هر یک از این بازیگران شکل خاصی از ائتلاف را با یکدیگر ایجاد می‌کنند. از آنجایی که ایران در زمره کشورهای انقلابی با رویکرد تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌باشد. مقابله با تهدیدات می‌تواند براساس سازوکارهای رقابتی، همکاری جویانه و تعارضی شکل گیرد. به همین دلیل است که زمینه برای شکل‌گیری «ائتلاف تاکتیکی» و «ائتلاف راهبردی بازیگران» اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. روح‌اله رضوانی چنین فرآیندی را ناشی از فرآیندهای صدور انقلاب در محیط منطقه‌ای می‌داند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۷).

تحقق هر یک از اهداف یاد شده در شرایطی حاصل می‌شود که علاوه بر کنش تاکتیکی، قابلیت ابزاری ارتش انقلابی افزایش یابد. نقش‌یابی ارتش انقلابی بدون توسعه قابلیت‌های تکنولوژیک و علمی در حوزه ابزاری و تاکتیکی حاصل نمی‌شود. محدودسازی نقش قدرت‌های بزرگ در بحران‌های منطقه‌ای، منجر به کاهش تهدیدات منطقه‌ای خواهد شد. براساس چنین الگویی بود که سیاست ایران و کشورهای غربی در ارتباط با بحران عراق و سوریه متمایز از یکدیگر بوده و ارتش انقلابی توانست زمینه لازم برای اثربخشی و مدیریت بحران را به وجود آورد.

سطح دیگری از کنش تاکتیکی ایران مربوط به شرایط و فضایی است که ارتش انقلابی بتواند بر فرآیند و الگوی کنش بازیگران بنیادین نظام جهانی تاثیرگذار باشد. بنابراین «ساختار نظام بین‌الملل» و «الگوی

راهبردی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ» به‌عنوان سوژه اصلی ارتش انقلابی در فضای کنش تعاملی یا رقابتی با بازیگران سیاست جهانی محسوب می‌شود. رابرت کیگان در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که هرگونه نقش‌یابی بازیگران در سیاست جهانی تابعی از معادله قدرت و پذیرش مولفه‌های ساختاری در نظام جهانی است (Kagan, 2010: 18).

در چنین فرآیندی بود که ارتش انقلابی می‌بایست زمینه‌های مربوط به کنش بازدارنده و یا اقدام متقابل را فراهم آورد. به‌طور مثال، تنظیم قطعنامه شورای امنیت برای محدودسازی سازوکارهای انتقال قدرت به انصارالله زمینه لازم برای انجام اقدامات نظامی تاکتیکی عربستان در یمن را به‌وجود آورد.

### ۳-۹. کنترل تهدیدات چندوجهی در محیط منطقه‌ای

ضرورت‌های کنش تاکتیکی ارتش انقلابی در فضای محیطی ایجاب می‌کند که زمینه لازم برای کنترل تهدیدات چندوجهی به وجود آید. در فرآیند تهدیدات چندوجهی، نشانه‌ها و نمادها به مدها و مدها به سیکل‌های امنیتی تبدیل می‌شوند. در این فرآیند می‌توان نیروهای سلفی و تکفیری را به‌عنوان مدهای تهدیدکننده در محیط منطقه‌ای دانست. نیروهای سلفی و تکفیری دارای نشانه‌های مفهومی و گفتمانی بنیادگرایانه هستند. اما چنین نیروهایی می‌توانند سیکل‌های تهدید نظامی و امنیتی را ایجاد نمایند. ظهور نیروهای تکفیری و سلفی در سال‌های بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق آغاز شد و به گونه تدریجی تحت تاثیر معادله رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفت (Molavi, 2005: 118).

سیکل‌های تهدید در حوزه‌های مختلف جغرافیایی خاورمیانه غربی و آسیای جنوب غربی در حال گسترش است. با نگاهی به ژئوپلیتیک تهدید می‌توان سیکل‌های منازعه با رویکرد هویتی و تکفیری را در منطقه مشاهده کرد. گروه‌هایی همانند طالبان، القاعده، داعش، جبهه‌النصره، الشباب و بوکوحرام را می‌توان در زمره سیکل‌های تهدید منطقه‌ای دانست. زمانی که سیکل‌ها در وضعیت کنش راهبردی قرار گیرند و بایکدیگر به ائتلاف‌سازی مبادرت نمایند در آن شرایط زمینه برای خوشه‌های تهدید به‌وجود می‌آید.

### ۳-۱۰. مدیریت تهدیدات خوشه‌ای

ارتش انقلابی در جنوب غرب آسیا با نشانه‌هایی از تهدیدات چندجانبه، تصاعدی‌بند و خوشه‌ای روبه‌رو شده است. ارزیابی نشانه‌های تهدید، قدرت و فرآیند کنش بازیگران بیانگر این واقعیت است که در بسیاری از موارد ماهیت منازعه در آسیای جنوب غربی، شمال آفریقا و شرق مدیترانه با نشانه‌هایی از «تهدیدات خوشه‌ای» تحلیل می‌شود. تهدیدات خوشه‌ای را می‌توان به‌مثابه «جریان کنش سیاسی و راهبردی» دانست. جریان نیروهای سلفی و تکفیری محور اصلی «جنگ‌های هویتی» بوده است. جنگ‌های هویتی را می‌توان به‌مثابه «خوشه‌های تهدید» دانست که زمینه شکل‌گیری چالش‌های نوین در برابر اهداف راهبردی جمهوری اسلامی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. خوشه‌های تهدید در هر حوزه جغرافیایی نمادهای بحران، بی‌ثباتی و ناآرامی سیاسی محسوب می‌شود. از پیوند و ترکیب خوشه‌های تهدید، زمینه برای شکل‌گیری شبکه‌های امنیتی و ضدامنیتی به‌وجود می‌آید. هر شبکه دارای طیف متنوعی

از خوشه‌های تهدید است. چنین فرآیندی در وضعیت «ائتلاف‌سازی راهبردی» انجام می‌گیرد. بنابراین هرگونه ائتلاف‌سازی را می‌توان نماد شبکه‌های متنوعی دانست که دارای رویکرد دفاعی، امنیتی و نظامی خواهد بود.

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، تحلیل شبکه‌های تهدید امنیتی را براساس سازوکارهای ائتلاف و اتحاد تحلیل می‌کنند. بنابراین شبکه‌ها دارای طیف‌های متنوعی از نیروها و خوشه‌های ائتلاف‌کننده می‌باشند. تحلیل شبکه در روند نقش‌یابی ارتش انقلابی براساس شش فاکتور بنیادین حاصل می‌شود. هر یک از این فاکتورها می‌توانند بر شبکه‌های ارتباطی، هویت، الگوی کنش بازیگران و نیروهای تاثیرگذار بر موازنه قدرت، اثربخش باشند. علت آن را می‌توان در ماهیت فرآیندی و الگوی کنش تغییریابنده شبکه‌ها دانست (Pollack and Takeyh, 2005: 27).

روندهای تهدید نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. نخست، «روندهای خطی» که از گذشته شروع می‌شوند، از حال می‌گذرند و به سوی آینده در حرکت هستند. این روندها را می‌توان از طریق مطالعه مسیری که در گذشته پیموده‌اند و وضعیتی که در حال دارند، تا حدودی بازشناخت. اگر خواسته باشیم فرآیند شکل‌گیری داعش را براساس روندهای خطی تحلیل نماییم، در آن شرایط لازم است تا به تبارشناسی فرهنگی، ایدئولوژیک و هویتی داعش اشاره داشته باشیم.

چنین فرآیندی، طبعاً در قالب ائتلاف‌های منطقه‌ای معنا پیدا می‌کند. نقش‌یابی عربستان، امارات عربی متحده و بحرین به‌عنوان نیروی متحد اسرائیل در امنیت منطقه‌ای، زمینه‌ساز تولید نقش نیروهای فرهنگی و هویتی به گروه‌های شبه‌نظامی انقلابی با رویکرد هویتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. اگر سفر نتانیا هو به امارات عربی متحده و بحرین انجام گیرد، نشانه‌های موازنه تهدید و تهدیدات تصاعدیابنده جهان غرب و اسرائیل در ارتباط با ایران افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد.

فرآیندهای موجود منطقه‌ای در نوامبر و دسامبر ۲۰۲۰ بیانگر این واقعیت است که سطح جدیدی از تعارض و منازعه از محیط منطقه‌ای و شکل گرفته و گسترش یافته است. در این فرآیند، الگوی کنش عربستان در تعامل با اسرائیل براساس «روندهای چرخشی تهدید و امنیت» معنا پیدا می‌کند. روندهای چرخشی که به صورت دوره‌ای در حال گذر از مقاطع مختلف تاریخ هستند و کمتر به تجربه در می‌آیند. تهدیدات چرخشی را می‌توان براساس «دکترین و راهبردها»، «سازمان و ساختار نیروی تهدیدکننده»،

«ماهیت و الگوی آموزش نیروها»، «قابلیت‌های ابزاری گروه‌های تهدیدکننده»، «نوآوری تکنولوژیک و ابزاری»، «قابلیت نیروی انسانی چندوجهی» و «بودجه، منابع مالی و اعتباری» برای نیروهای مسلح تهدیدکننده معنا پیدا می‌کند. هر یک از مؤلفه‌های یادشده در فضای «کنش شبکه‌ای» بازیگران رقیب معنا پیدا می‌کند. بنابراین ارتش انقلابی می‌بایست از سازوکارهای مربوط به کنش شبکه‌ای برخوردار باشد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

یکی از کارویژه‌های بنیادین ارتش انقلابی در هر محیط جغرافیایی را می‌توان بهره‌گیری تاکتیکی برای حداکثرسازی ضریب امنیت‌سازی در محیط منطقه‌ای دانست. امنیت و قدرت به‌عنوان اصلی‌ترین نماد و نشانه بنیادین کنشگری ارتش انقلابی در غرب آسیا محسوب می‌شود. ارزیابی کنش و نتایج حاصل از ارتش انقلابی مکتب سردار سلیمانی در غرب آسیا را می‌توان براساس «نظریه احتمالات» نیز بررسی و تبیین نمود. هدف اصلی نظریه احتمالات بررسی نظام کنش بازیگران براساس قوانین حاکم در روندهای کنش جمعی بازیگران خواهد بود.

#### ۴-۱. کاربرد سیاست انقلابی در محیط منطقه‌ای

ارتش انقلابی برای آنکه بتواند شناخت دقیقی از محیط عملیاتی به دست آورد، نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای محاسباتی خواهد بود. برخلاف نظریه‌های رایج کنش ارتش انقلابی بدون محاسبه انجام نگرفته و مبتنی بر آرایش عملیاتی محیط آشوب‌زده خواهد بود. در محیط آشوب‌زده غرب آسیا، بازیگران مختلفی همانند قدرت‌های بزرگ، بازیگران منطقه‌ای و گروه‌های هویتی ایفای نقش می‌کنند. هر یک از این بازیگران قادر خواهند بود تا در مرحله‌ای از رقاب‌های تاکتیکی وارد معادله رقابت شوند و یا اینکه از آن خارج شوند. ارتش انقلابی نیازمند آن است تا از قابلیت محاسباتی لازم برای هرگونه کنش عملیاتی برخوردار باشد. کلارک هرگونه فرآیند کنش تاکتیکی ارتش انقلابی را براساس نقش منطقه‌ای و قابلیت‌های تکنیکی تحلیل می‌کند (Clark, 2002: 83).

بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها و نظریه احتمالات از این جهت اهمیت و مطلوبیت دارد که زیرساخت‌های لازم برای محاسبه هرگونه کنش در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و فرآیندی را فراهم سازد. درک الگوی کنش تغییریابنده بازیگران نیازمند محاسبه عملیاتی براساس سازوکارهایی همانند احتمالات و نظریه بازی‌ها

خواهد بود. بدون محاسبه فرآیند قدرت سازی بازیگران امکان شکل گیری امنیت پایدار در محیط منطقه ای وجود ندارد. امنیت سازی تابعی از شناخت تمامی عوامل محیطی، تاکتیکی و عملیاتی است که بازیگران به ایفای نقش مبادرت می کنند.

## ۲-۴. کنش تاکتیکی ارتش انقلابی

کاربرد نظریه احتمالات در ارزیابی جهت گیری کنش تاکتیکی بازیگران جنگ انقلابی مبتنی بر تحرک عملیاتی برای انتخاب بهترین سناریو طراحی می شود. تحلیل تهدیدات براساس نظریه احتمالات مبتنی بر «سناریوی بهینه امکان پذیر»، «بهترین سناریوی ممکن» و «بدترین سناریوی ممکن» انجام می گیرد. بخشی از کنش تاکتیکی ارتش انقلابی در غرب آسیا معطوف به امنیت سازی بوده است. امنیت سازی در محیط های آشوب زده صرفا براساس نظریه احتمالات قابل سنجش است. شهرام چوبین به این موضوع اشاره داشت که فرآیندهای تحول انقلابی در خلیج فارس منجر به درگیر شدن بازیگران و کاهش انسجام منطقه ای می شود (Chubin, 1981: 7).

نظریه احتمالات بدون ریسک پذیری تاکتیکی نمی تواند نتیجه موثری را برای بازیگران محیط عملیاتی داشته باشد. ارتش انقلابی نیازمند آن است که به پیامدهای موازنه قدرت در سطح تاکتیکی توجه داشته باشد. هرگاه دشمنی کارکرد خود را از دست می دهد، زمینه برای ظهور بازیگر جدیدی به عنوان نیروی آشوب ساز به وجود می آید. ارتش انقلابی باید به این موضوع واقف باشد که در هر مرحله از تحرک عملیاتی موازنه قدرت بازیگران تغییر خواهد یافت. موفقیت بازیگران تابعی از چگونگی کنش آنان در فضای تغییر یابنده محیطی خواهد بود.

شناخت فرآیند تغییر تابعی از درک کنش بازیگران هویتی، منطقه ای و بین المللی در معادله قدرت و بحران منطقه ای خواهد بود. انگیزه کنش تحت تاثیر قابلیت های ابزاری، اراده فردی، تاکتیک های عملیاتی و تجارب حاصل از جنگ های منطقه ای شکل می گیرد. ارتش انقلابی مکتب سردار سلیمانی از قابلیت کنش

! The Optimize Scenario

! The Best Case Scenario

! The Worst Case Scenario



تاکتیکی لازم برای اثرگذاری در محیط منطقه‌ای برخوردار بوده است. هرگونه کنش تاکتیکی می‌بایست براساس نظریه احتمالات و سناریوهای کنش عملیاتی متناسب با شرایط عمومی بازیگران تبیین شود. بهینه‌سازی کنش تاکتیکی در شرایطی حاصل می‌شود که احتمال موفقیت فراتر از قابلیت‌های ابزاری بازیگران سنجیده شود. ریسک‌پذیری یکی از نشانه‌های کنش تاکتیکی بازیگران در محیط منطقه‌ای خواهد بود. ریسک‌پذیری با شاخص‌هایی همانند معادله قدرت، تحرک، اثربخشی و کنش تاکتیکی پیوند دارد. هرگونه جهت‌گیری تاکتیکی نیروی خودی و دشمن می‌تواند تابعی از سنجش الگوها، ابزار، ائتلاف‌ها و موازنه قدرت باشد. به‌کارگیری فرآیندهای جدید برای مقابله با دشمن بخشی از ضرورت‌های مربوط به شناخت و تبیین مکتب سردار سلیمانی در محیط امنیتی است. «لاپلاس» کاربرد علم احتمالات را در حوزه نظامی و بازی‌های جنگی مطلوب می‌داند. ارتش انقلابی مکتب سردار سلیمانی بخشی از سازوکارهای کنش انقلابی ایران محسوب می‌شود که چالش‌هایی را برای سیاست منطقه‌ای آمریکا ایجاد کرده به گونه‌ای که این چالش‌ها منجر به درگیری‌های تاکتیکی خواهد شد (Ansari, 2006: 141).

کاربرد نظریه احتمالات در جنگ‌های نامتقارن و غیرمتراز مطلوبیت بیشتری برای بازیگران خواهد داشت. چگونگی کنش در ارتش انقلابی براساس نظریه احتمالات به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی سنجش فرآیندهای «تصمیم‌گیری» محسوب می‌شود. در نظریه احتمالات با رویکرد متعارف، فقط یک مفهوم یعنی «محتمل بودن وقوع یک پدیده» سنجش می‌شد. اما در نظریه احتمالات جدید، دو مفهوم محتمل بودن و «ضرورت داشتن وقوع یک پدیده» با هم در نظر گرفته می‌شوند. هر یک از دو مؤلفه احتمالات و ضرورت‌ها را می‌توان به‌عنوان بخشی از پازل پیچیده شکل‌بندی‌های کنش تاکتیکی ارتش انقلابی برای نیل به امنیت منطقه‌ای غرب آسیا دانست.

### ۳-۴. کاربرد نظریه بازی‌ها در کنش تاکتیکی ارتش انقلابی

پیچیدگی‌های محیط امنیت منطقه‌ای غرب آسیا ایجاب می‌کند که هرگونه کنش تاکتیکی براساس شکل خاصی از ائتلاف هویتی و منطقه‌ای به وجود آید. ائتلاف‌ها از این جهت اهمیت دارند که زیرساخت‌های لازم را برای بهره‌گیری از سازوکارهای اجرایی در محیط‌های بحرانی فراهم می‌سازند.

هرگونه ائتلاف را می‌توان براساس شکل خاصی از «موازنه تهدید» ارزیابی نمود. مشارکت روسیه با ایران در روند عملیات ضدتروریستی در سوریه براساس منطق نظریه بازی‌ها شکل گرفته است. نظریه بازی‌ها بخشی از فرآیند شناخت محیط عملیاتی در شرایط ابهام و عدم اطمینان محسوب می‌شود. الگوی کنش بازیگران در محیط بحرانی مبتنی بر نشانه‌هایی از ابهام خواهد بود. محیط امنیتی ایران عمدتاً با نشانه‌هایی از تهدید همراه بوده است. بازیگران محیط امنیتی ایران عموماً تلاش داشتند تا زیرساخت‌های لازم برای مقابله با تهدیدات را از طریق قدرت‌سازی، ائتلاف، رقابت، مصالحه و تعارض حاصل نمایند. انتخاب هر یک از گزینه‌های یادشده در فرآیند مدیریت بحران‌های امنیتی غرب آسیا مبتنی بر سازوکارهای نظریه بازی‌ها بوده است.

نظریه بازی‌ها به ارتش انقلابی هشدار می‌دهد که چه بازیگری در دوران تاریخی و براساس چه اهدافی به الگوی کنش تعاملی مبادرت می‌کند. نظریه بازی‌ها در مناطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد که رفتار بازیگران بر اساس «کنش ابهام‌آمیز» قرار داشته باشد. کارویژه اصلی نظریه بازی‌ها آن است که به پیش‌بینی رفتارها در شرایط ویژه و موقعیت‌های استراتژیک بپردازد. واقعیت‌های تحلیلی نظریه بازی‌ها معطوف به طرح این موضوع می‌باشد که کنش هر بازیگر بر الگوی رفتار سایر بازیگران تأثیر به‌جا می‌گذارد. در نظریه بازی‌ها یک بازیگر به‌تنهایی نقش مؤثری در سرنوشت خود ایفا نکرده و برای مقابله با تهدید از مشارکت سایر بازیگران بهره می‌گیرد.

سردار سلیمانی تلاش داشت تا در فضای بازی تاکتیکی غرب آسیا و شرق مدیترانه از سازوکارهای مربوط به «محاسبه‌گرایی عقلانی» استفاده نماید. در فرآیند محاسبه‌گرایی عقلانی، زیرساخت تحلیل محیط راهبردی و آینده کنش بازیگران در محیط‌های پرابهام شکل می‌گیرد. به همین دلیل است که می‌توان از نظریه بازی‌ها به‌موازات مدل احتمالات برای طراحی تاکتیک عملیاتی در محیط پرابهام استفاده نمود. ورود روسیه به روند رقابت‌های منطقه‌ای غرب آسیا ارتباط مستقیم با موضوع بحران امنیتی سوریه داشته است. هینبوش در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که ایران و سوریه تنها کشورهای منطقه‌ای هستند که ضرورت‌های ژئوپلیتیکی، روابط آنان را از دوران حکومت پهلوی تا جمهوری اسلامی براساس نوسانات محدود حفظ شده است (هینبوش، ۱۳۸۳: ۷۳).

نقش یابی روسیه در بحران امنیتی سوریه، براساس نظریه بازی ها شکل گرفت. ارتش انقلابی در ائتلاف خود با سایر نیروهای نظامی از «کنش تاکتیکی» و «عمل گرای راهبردی» استفاده می کند. دو مفهوم یاد شده در شکل بندی های ارتش انقلابی نیازمند درک دقیق بازی، بازیگران، محیط عملیاتی و سازوکارهایی است که حامیان چنین بازیگرانی در قالب «شطرنج دیپلماسی»، «لاف زنی»، «چانه زنی» طراحی می کنند. کاربرد نظریه بازی ها در بحران امنیتی سوریه منجر به حدس زدن اقدامات حریف و گیر انداختن حریف در معادله خشونت گردید. تحلیل الگوی کنش عربستان در یمن، سوریه، عراق و لبنان نیز می تواند براساس تئوری بازی ها تحلیل شود. فواد عجمی در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که لبنان هسته مرکزی قدرت، مقاومت، خشونت، جامعه مدنی و رقابت بازیگرانی است که اهداف متعارضی را دارا هستند (Ajami, 1985: 19).

در نظریه بازی ها می توان نشانه های آینده پژوهی راهبردی در تحلیل معماری نظامی، دفاعی و امنیتی را مشاهده نمود. در تحلیل بازی ها می توان انواع «بازی های همکاری جو یا نه» و «بازی های غیرهمکاری جویانه» را از یکدیگر تفکیک نمود. بازی های همکاری جویانه معطوف به چگونگی کنش چند بازیگر منطقه ای در معادله امنیت و بحران می باشد. به طور مثال می توان چگونگی ائتلاف سازی عربستان برای مقابله با نیروهای اجتماعی و ارتش یمن را در قالب بازی های همکاری جویانه تحلیل کرد. در این فرآیند، الگوی کنش ایران، عربستان، قطر و آمریکا در مورد تحولات یمن براساس بازی غیرهمکاری جویانه تحلیل می شود. مولر در مطالعات خود به این موضوع اشاره دارد که هرگونه کنش انقلابی بازیگران می بایست تابعی از معادله کنش تاکتیکی باشد. هر بازیگری که از قدرت بیشتری برخوردار است، طبعاً قادر خواهد بود تا خود را با الگوهای کنش سیاسی درهم آمیزد (Moller, 2005: 63).

بنابراین در حالت اول می توان فرض کرد که بازیگران بتوانند با یکدیگر در ارتباط و تعامل باشند و در نتیجه، احتمال شکل گیری ائتلاف هایی میان آنها وجود دارد. اما در حالت دوم، هیچگونه ارتباط سازنده در حل و فصل موضوعات راهبردی و مدیریت بحران میان آنها وجود ندارد. بازی های غیرهمکاری جویانه براساس نشانه هایی از تضاد، تصاعد بحران و افزایش رویارویی گروه های سیاسی با

یکدیگر انعکاس پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، هر نشانه‌ای از بحران می‌تواند زمینه‌های لازم برای تصاعد تعارض، بحران و رقابت را به وجود آورد.

شکل دوم تئوری بازی‌ها را می‌توان در قالب «بازی‌های متقارن» و «بازی‌های نامتقارن» تقسیم‌بندی و تحلیل نمود. بازی متقارن به الگوی تعامل بازیگرانی اطلاق می‌گردد که الگوی کنش آنان با یکدیگر متقارن به نظر می‌رسد. در این فرآیند، هزینه انتخاب یک استراتژی مشخص فقط به دیگر استراتژی‌ها بستگی دارد و مهم نیست که چه کسی آنها را به اجرا درمی‌آورد. در واقع، اگر بتوان بدون آنکه هزینه‌های اجرای هر استراتژی تغییر کند، الگوی کنش راهبردی بازیگران در معادله رقابت امنیتی را تغییر داد و هر یک را جایگزین دیگری کرد، آنگاه می‌توان گفت که این بازی متقارن است.

در فرآیند تحلیل «بازی معمای زندانی» می‌توان نشانه‌هایی از «بازی متقارن» را مشاهده نمود. بازی متقارن به الگوی کنش بازیگرانی مربوط می‌شود که در یک معادله رقابت سیاسی مشارکت دارند. به طور مثال، ایران و عربستان در محیط آسیای جنوب غربی و خاورمیانه عربی در ارتباط با موضوعات و «رقابت‌های هویتی» نقش دارند. نقش‌یابی نیروهایی مثل داعش، جبهه‌النصره، حزب‌الله و انصارالله را می‌توان در زمره بازیگرانی دانست که در جهت کنش امنیتی متفاوت قرار دارند، اما الگوی کنش رقابتی آنها براساس بازی متقارن معنا پیدا می‌کند.

## ۵. پیشنهادات

ارتش انقلابی به عنوان ابزار کنش تاکتیکی کشوری محسوب می‌شود که دارای سیاست منطقه‌ای انقلابی بوده است. سیاست انقلابی در نگرش هالستی معطوف به سازوکارهای تغییر در جهت‌گیری امنیتی کشور بوده و زمینه لازم برای تغییر در موازنه قدرت را به وجود می‌آورد. ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در دوران بعد از دفاع مقدس تلاش نمود تا موقعیت خود را از طریق بهینه‌سازی قدرت در محیط منطقه‌ای ارتقا دهد. برای تحقق چنین هدفی نیازمند سازماندهی ارتش انقلابی بود.

### ۵-۱. بازتولید قالب‌های هویتی در ارتش انقلابی چندملیتی

ارتش انقلابی در مکتب شهید سردار سلیمانی مبتنی بر رویکرد هویتی و چندملیتی بوده است. ارتش انقلابی که توسط سردار سلیمانی در غرب آسیا سازماندهی شد، اولاً دارای ویژگی هویتی بوده است، ثانیاً گروه‌های هویتی از ابتکار عمل و فرماندهی مربوط به خود برخوردار بوده‌اند، ثالثاً چنین ارتشی نیازمند دشمن مشترک بوده است. به این ترتیب، خلا امنیتی در آسیای جنوب غربی و گسترش بحران هویتی عراق، زمینه لازم برای شکل‌گیری ساختار جدید امنیتی را اجتناب‌ناپذیر ساخت. محور اصلی ساختار امنیتی جدید را ارتش انقلابی تشکیل می‌دهد.

### ۵-۲. درک جامعه‌شناختی از تحولات محیط منطقه‌ای غرب آسیا

اگر خواسته باشیم شاخص‌های بنیادین ارتش انقلابی در مکتب سردار سلیمانی را تبیین کنیم، لازم است تا درک دقیقی نسبت به شاخص‌های محیط منطقه‌ای داشته باشیم. محیط منطقه‌ای غرب آسیا با نشانه‌هایی از بحران همراه بوده است. بنابراین ارتش انقلابی می‌بایست از سازوکارهای مدیریت بحران استفاده کند. نکته دوم آن است که در محیط منطقه‌ای، انسجام اجتماعی و ساختاری محدود بوده است. بنابراین ارتش انقلابی توانست زمینه لازم برای انسجام بخشی منطقه‌ای و سازمانی را فراهم سازد. نکته سوم آن است که محیط منطقه‌ای دارای تغییرپذیری مرحله‌ای بوده، بنابراین ویژگی ارتش انقلابی در این ارتباط می‌بایست براساس کنش تاکتیکی تنظیم گردد. نکته چهارم آن است که هرگونه کنش در محیط منطقه‌ای نیازمند محاسبه راهبردی خواهد بود ارتش انقلابی در مکتب شهید سردار سلیمانی از سازوکارهای مربوط به نظریه احتمالات برای کنش‌گری ابتکاری و نظریه بازی‌ها برای بهینه‌سازی سطح تعامل فرامنطقه‌ای استفاده نمود و بر این اساس توانست بر تهدیدات ناشی از خلا امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در فرایند مبارزه با تروریسم بهره‌مند شود.

## منابع فارسی

۱. آلیسون، گراهام (۱۳۶۴)، «شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابوالنصر، فضیل (۱۳۷۸) «رویارویی غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی»، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: وزارت امور خارجه.
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۸)، «دیپلماسی انقلابی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۷۸)»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان.
۴. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۶)، «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن»، ترجمه محسن مدیر‌شانه‌چی، چاپ دوم، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۵. استمپل، جان دی (۱۳۷۷)، «درون انقلاب ایران»، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۶. اسنایدر، ریچارد و دیگران (۱۳۸۹)، «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، ترجمه محمدجعفر جواد‌ارجمند و مجید فرهام، تهران: نشر میزان.
۷. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۲)، «عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
۸. رضایی، محسن (۱۳۸۴)، «ایران قدرت منطقه‌ای»، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۹. رمضان‌الله (۱۳۸۲)، «صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و مسائل»، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. کوهن، سائول (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک نظام جهانی»، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۱۱. هینبوش، ریموند (۱۳۸۳)، «سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه»، ترجمه علی گل محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

## منابع انگلیسی

۱. Ajami, Fouad (1985), "Lebanon and its Inheritors", **Foreign Affairs**, Spring.
۲. Ansari, Ali (2006), "**Confronting Iran: The Failure of American Foreign Policy and the Next Great Conflict in the Middle East**", New York: Basic Books.
۳. Axelrod, Robert (1984), "**The Evolution of Cooperation**", New York: Basic Books.
۴. Chubin, Shahram (1981), "Iran and Its Neighbors: The Impact of the Gulf War", **Conflict Studies**, Vol. 21, No. 3.
۵. Clark, David (2002), "**Diplomacy in a Digital World: Foreign Policy and the Internet**", McGill: Queens University Press.
۶. Cook, David (2003), "The Recovery of Political Islam", **Terrorism & Political Violence**, Vol. 15, No. 1.
۷. George, Alexander L (1992), "**Forceful Persuasion, Coercive Diplomacy: As an Alternative to War**", Washington D.C: United States Institute of Peace.
۸. Kagan, Fredrick (2010), "Deterrence Misapplied, Challenges in Containing a Nuclear Iran", **Council on Foreign Relations**, Jun 20.
۹. Lewis, Bernard (2000), "A Middle East Mosaic", New York: Random House.
۱۰. Molavi, Afshin (2005), "**The Soul of Iran: National's Journey to Freedom**", New York: Norton.
۱۱. Moller, Bjorn (2005), "**Security Models, Copenhagen K**", Denmark: Danish Institute for International Studies.
۱۲. Pollack, Kenneth and Ray Takeyh (2005), "Taking on Tehran", **Foreign Affairs**, March- April, Vol. 95, No. 3.
۱۳. Rubin, Barry and Michel Makinsky, (2006), "Iran: the Rise of a Regional Power", **Journal MERIA**, Vol. 10, No. 3.
۱۴. Yadin, Amos and Robert Satloff (2011), "**Syria: The Case for 'The Devil We Don't Know**", The Washington Institute for Near East Policy, May 19.